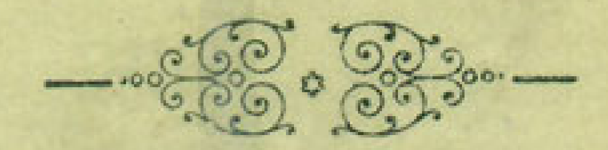
اجازات و اسناد
نهج البلاغة

تأليف

الشيخ عزيز الله العطاردی





الطبعة الاولى

١٤٠١ هـ = ١٩٨١ ء

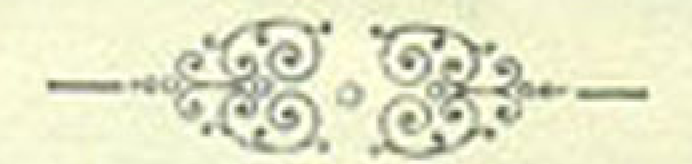
طبع بالمطبعة العزيزية ، ٥٥٦ - ٦ - ٢٠ شاه على بنده ، حيدرآباد - الهند

اجازات و اسناد

نهج البلاغة

تأليف

الشيخ عزيز الله العطاردى



الطبعة الاولى



١٤٠١ هـ = ١٩٨١ م

طبع بالمطبعة العزيزية ، ٥٥٦ - ٦ - ٢٠ شاه على بنده ، حيدرآباد - الهند

مرکز نشر

نهج البلاغه سوسائتی بمناسبت

هزارمین سال تألیف نهج البلاغة

مدینه بلدنك - حیدرآباد هندوستان

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم و معارف علی علیه السلام

یکی از فضائل علی بن أبی طالب علیه السلام که مخالف و مؤالف و دوست و دشمن بآن اعتراف دارندهما نا مراتب علم و فضیلت و معارف الهیه آن جناب است که سرچشمه همه علوم و معارف اسلامی میباشد.

این بحث بسیار وسیع و دامنه دار است و ما اگر بخواهیم در این موضوع تحقیق کنیم خود کتاب بسیار مفصلی میشود، اخبار و احادیث وارده در این باب در کتب حدیث و سیره مشروحا آمده است.

یکی از روایات مشهور در این باب حدیث معروف «أنا مَدینةُ العِلم وَ عَلیٌّ بابُها» میباشد که محدثان و محققان مسلمان آن را در کتب خود آورده اند و شعرایِ بزرگ در اشعار عربی و فارسی آن را بنظم آورده اند.

سعید بن مسیب گفت: کسی جز علی نفرمود: از من بپرسید، عبد الملک بن سلیمان گوید: به عطا گفتم: آیا درمیان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله داناتر از علی علیه السلام هست؟

گفت : نه به خداوند سوگند ، من داناتر از علی درمیان اصحاب ندیدم ابن عباس می گفت : نه دهم علم نزد علی است و در قسمت دهم نیز با مردم شریك است [1] .

ابن صباغ مالکی گوید : علی علیه السلام مرکز سؤالات مردم و مرجع احکام اسلامی بود ، و از همگان بهتر به حرام و حلال آشنائی داشت ، علی به مسائل مشکل پاسخ میداد ، و موقعیت علمی او برهمه مردم روشن بود و اصحاب حضرت رسول از وجود او استفاده می کردند [2] .

أبو سعید خدری گوید : علی بن أبی طالب در نزد رسول خدا مقام و موقعیتی داشت که هیچ فردی به آن مقام نرسید ، أبو الطفیل گوید : علی علیه السلام می گفت : از کتاب خداوند از من سؤال کنید و من بیش از همه با قرآن آشنائی دارم .

علی فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا بطرف یمن بعنوان قاضی فرستادند ، گفتم : یا رسول الله ! من جوان هستم و تو مرا نزد گروهی سالخورده می فرستی و من چگونه در در امور داوری کنم ؟ .

(١) اسد الغابه : ٤/٢٢ (٢) الفصول المهمة : ٣٤ .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست خود را بر سینه من نهاد و فرمود: خداوند بزودی دلت را ثابت می کند و روشن می گرداند، و بعد فرمود: هرگاه دو نفر متخاصم نزد تو آمد تا سخن دوم را نشنیده ای در باره اول حکم نکن، و بعد فرمود: از این به بعد در هیچ مسئله گرفتار مشکل نشدم [1].

مسعودی گوید: علی همه فضائل و مناقب اصحاب را دارا بود، و آنها عبارتند از سبقت در ایمان، مهاجرت، یاری کردن رسول، خویشاوندی، قناعت، علم به کتاب و سنت و جهاد در راه خدا، ورع و زهد و فقه [1].

حافظ سلیمان قندزی گوید: علی بن أبی طالب فرمود: اگر بخواهم توانائی دارم هفتاد شتر از تفسیر سوره فاتحه الکتاب را بار کنم، در یکی از خطبه ها فرمود از من بپرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید، من براه آسمانها از زمین آشنا ترم.

ابن عباس گوید: در یک شب ماهتاب علی علیه السلام دست مرا گرفت و بطرف بقیع برد. و گفت: ای عبد الله بخوان من بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت کردم، وی از اسرار

(۱) انساب الاشراف: ۱۰۱/۸۹ (۲) مروج: ۲۳۷/۲.

بسم الله سخن گفت تا هنگامیکه صبح شد و هوا روشن گردید ، و نیز فرمود : از من از اسرار کائنات بپرسید ، و من وارث علوم پیامبران میباشم .

ابن عباس گفت : علم رسول خدا صلی الله علیه و آله از طرف خدا افاضه میشود و علم علی از رسول خدا گرفته شده ، و علم من از علی است ، اما علم من و همه صحابه در برابر علم علی علیه السلام مانند قطره در برابر دریا است .

اصبغ بن نباته گوید : از علی علیه السلام شنیدم می فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار باب از علوم را به من آموخت و از هر باب باب دیگر گشوده شد ، من همه علوم را فرا گرفتم و حوادث گذشته و آینده را میدانم .

در حدیث مشهور دیگری آمده که علی علیه السلام فرمود : اگر برای من کرسی و تکیه گاهی بود و من در آن قرار می گرفتم ، بین اهل توراة به توراة و اهل انجیل به انجیل قضاوت می کردم و اختلافات انها را فیصله میدادم [۱] .

حافظ ابن عساکر از أبو الطفیل روایت می کند که علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش فرمود : به همین زودی من

(۱) ینابیع المودة : ۸۴/۸۸ .

از میان شما خواهم رفت، اینك هر چه میخواهید از من بپرسید، و از هر آیه ای که بپرسید پاسخ میدهم زیرا می دانم که آیه در کجا و چه وقت نازل شده است.

در روایت دیگری آمده که فرمود: ای مردم هر چه می خواهید از من سؤال کنید، زیرا من از میان شما خواهم رفت و کسی نیست پاسخ شما را به هد و یا دانا تر از من به کتاب خداوند باشد و احکام خداوند را بداند، و اکنون بپرسید تا برای شما روشن نمایم[1]

علی علیه السلام منبع علوم و فضائل:

ابن أبی الحدید گوید: من در باره مرد یکه همه فضیت ها را به او نسبت می دهند. و هر گروه و دسته ای خود را با و متصل می کنند چه بگویم؟ علی بن أبی طالب سرچشمه همه، فضائل و مبتکر همه علوم میباشد، هر کسی در هر علمی نبوغ پیدا می کند خود را به او نسبت می دهد و ازوی پیروی می کند.

بالا ترین علم و شریف ترین دانش ها درمیان علوم علم خدا شناسی است زیرا شرف هر علمی بستگی به موضوع آن علم

(١) تاریخ فصل علی ٢/٢١ ٢٢.



دارد ، و چون خداوند متعال گرامی ترین موجود است ، پس علم خدا شناسی از همه علوم گرامی تر خواهد بود علمای علم خدا شناسی از سخنان علی علیه السلام بهره برده اند ، و از گفته های او استفاده کرده اند ، معتزله که پیروان واصل بن عطاء هستند وعقائد خود را از او گرفته اند خودشاگرد أبو هاشم بوده است .

أبو هاشم فرزند محمد بن حنفیه است ، و او از پدرش علم خدا شناسی فرا گرفت ، و پدرش محمد حنفیه نیز از پدرش علی ابن أبی طالب علیه السلام آموخت .

اشعری ها نیز از شیخ خود أبو الحسن اشعری پیروی می کنند ، و او شاگرد أبو علی جبائی است که خود از معتزله است ، و این دو فرقه خود را به او میرسانند ، امامیه و زیدیه نیز معلوم است که هر چه دارند از علی است .

یکی از علوم علم فقه است ، علی علیه السلام پایه گذار این علم است ، و هر فقیهی در اسلام خود را شاگرد او میداند ، و از فقه او استفاده کرده است ، اصحاب أبو حنیفة فقه را از أبو حنیفه فرا گرفتند ، و شافعی هم از محمد بن حسن آموخت و محمد بن حسن شاگرد أبو حنیفه است .

احمد بن حنبل هم فقه را نزد أبو حنیفه آموخت، و أبو حنیفه فقه را از جعفر بن محمد علیهما السلام فرا گرفت، و جعفر از پدرش تا به علی علیه السلام می رسد، امام مالك فقه را از ربیعة الرأی آموخت و ربیعه از عکرمه و او از ابن عباس و او از علی ابن أبی طالب فرا گرفت.

پس فقهاء چهار گانه هر چه دارند از علی علیه السلام دارند، و اما فقهاء شیعه که معلوم است همه احکام آنها از طریق علی رسیده است.

اما علم تفسیر قرآن اکثرش از ابن عباس است و معلوم است که ابن عباس یکی از شاگردان مکتب علی علیه السلام میباشد، و هر چه داشت ازوی فرا گرفته بود.

متصوفه و اصحاب طریقت نیز خود را به علی بن أبی طالب منتسب میدانند و بطوریکه معلوم است، در همه بلاد اسلام صوفیان خود را به او متصل می کنند شبلی، جنید، با یزید معروف کرخی و دیگران در کلمات خود از او الهام می گیرند و خرقه ای را که شعار خود قرار می دهند باو میرسانند.

علوم ادبی و نحو که انتسابش به علی علیه السلام روشن است، همه علماء بر این عقیده متفق هستند که علی علیه السلام

اصول علم نحو و عربیت را به أبو الأسود تعلیم فرمود و آن را روشن ساخت. و این اصول و روش به معجزه شباهت دارد[1].

خطبه ها و کلمات علی علیه‌السلام

از امیر المؤمنین خطبه ها و کلمات زیادی در کتب تاریخی وادبی و اخبار و آثار روایت شده است، علی علیه السلام این خطبه ها را درمنا بر مدینه و بصره و کوفه ایراد کرده اند. و بعضی از آن ها را در میدان جنگ برای لشکر یانش ایراد فرموده اند.

خطبه های علی علیه السلام در موضوعات مختلف وارد شده پاره ای در توحید و خدا شناسی و صفات پروردگار است، و مردم مسلمان را با خداوند متعال و صفات او آشنا کرده و در حقیقت علم خدا شناسی را مردم از علی آموختند.

تعدادی از خطبه ها در بارهٔ پیامبران و سفیران الهی القاء شده، امیر المؤمنین علیه السلام در این خطبه ها از فدا کاری و مجاهدت انبیاء علیهم السلام سخن گفته و از زحمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفتگو کرده اند.

پاری از خطب در بارهٔ فضائل اخلاقی و آداب اجتماعی و فردی مسلمانان ایراد شده، و در این گونه خطبه ها مردم را

(۱) شرح نهج البلاغة : ۱/۱۷ - ۲۰.

بآداب شریعت و احکام و مقررات دینی آشنا کرده ، و راه سعادت و کامیابی را برای مردم باز می کنند .

دسته ای از خطب در بارهٔ جهاد با کفار و منافقان ایراد شده ، علی در این گونه خطبه ها که تعداد آنها فراوان است ، شیعیان خود را به جهاد با منافقان دعوت می کند . و می فرماید : جهاد یکی از درهائی است که آدمیان را به خداوند می رساند .

از علی علیه السلام نامه و فرمان هائی نیز رسیده که برای حکام و والیان خود نوشته ، و در این فرمان ها بهترین دستور العمل ها را در امور دین و دنیا صادر فرمود که می تواند در همه زمانها و مکان ها سر مشق مسلمانان و جامعه بشریت باشد .

جمع اوری خطبه های علی علیه السلام

از زمان امیر المؤمنین علیه السلام گروهی خطابه های آن حضرت را مینوشتند و بصورت کتاب درمیاوردند ، کسانیکه این خطبه را جمع می کردند مقصود شان این بود که نسل های بعد نیز از سخنان آن حضرت استفاه کنند .

بطوریکه از کتب حدیث استفاده میشود حارث اعور همدانی که یکی از خواص علی علیه السلام است در پای منابر آن جناب می نشست و سخنان امام را مینوشت ، و سپس افراد



دیگری نیز به او اقتداء کردند و به این عمل مقدس اقدام نمودند[1].

بعد از این سخنان علی بصورت مجموعه هائی در آمد و در دست همگان قرار گرفت، و این مجموعه ها در کتاب خانه های بغداد تا اواسط قرن پنجم هجری وجود داشت.

نگارند در کتاب امیر المؤمنین و نهج البلاغه که اکنون در هندوستان در شرف طبع است در این باره به تفصیل بحث کرده و نام هفتاد نفر را که قبل از سید رضی جامع نهج البلاغه سخنان علی علیه السلام را گرد آوره اند نام برده است.

کتاب نهج البلاغه که گزیده ای از سخنان امیر المؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام است، یکی از آثار گرانبهای اسلامی است که در طول قرن ها مورد استفاده اهل علم و ادب بوده است.

نهج البلاغه از زمان مؤلف بزرگوار آن که اکنون ده قرن از آن میگذرد، مورد نظر خطباء و فصحاء از یکطرف و جهان داران و رجال سیاست از طرفی دیگر قرار گرفته است.

گروهی از علمای اسلام نهج البلاغه را از نظر ادبی

---

(۱) اصول کافی کتاب توحید باب جوامع التوحید.

و بلاغت مورد بحث قرار داده دقائق و رقائق لفظی و ترکیب جملات و پیوستگی کلمات آن را شرح و بسط داده اند .

دسته ای نهج البلاغه را از لحاظ کلامی و عقائد اسلامی مورد توجه قرار داده و سخنان علی علیه السلام را که در توحید و صفحات باری تعالی و عدل و معاد و نبوت و امامت وارد شده تفسیر کرده اند .

جماعتی نیز از جهت تاریخ اسلامی و سیرهٔ نبی اکرم و اختلاف امت در امر امامت که در نهج بآن اشاره شده سخن گفته و کلمات آن جناب را شرح کرده اند .

عده ای کتاب نهج البلاغه را از جهت سیاست مدن و تنظیم امور کشوری و لشکری و فنون جنگی و اصلاح امور رعیت و رفع مظالم و بسط عدل مورد بحث قرار داده و سخنان آن حضرت را شرح کرده اند .

برخی نیز جنبه های معنوی و عرفان و خدا شناسی و زهد و عباذت و ورع و پرهیز کاری و تشویق جامعه بطرف حق و حقیقت و ترك هوی و خود پرستی و صفات پرهیزکاران که در این کتاب مبارك پیرامون انها سخن گفته شده به تفصیل بحث نموده اند .

بطور کلی هر کس در خود فهم و استعداد خود از سخنان علی علیه السلام سود برده و به هر موضوعیکه مورد علاقه اش بوده روی آورده است و از این دریای خروشان و جوشان بهری های معنوی برده است .

موضوعیکه روی آن تحقیق نشده ، اجازات نهج البلاغة میباشد ، و اگر افرادی هم در این مورد چیزی نوشته اند جامع و کامل نیست ، و ما اکنون در این جا به تحقیق در این موضوع می پردازیم و این رساله را به این بحث اختصاص میدهیم .

اجازات نهج البلاغه

کتاب نهج البلاغه را گروهی از محدثین از سید رضی رضوان الله علیه روایت می کنند ، و مؤلف بزرگوار متن آن را برای شاگردانش قراءت می کرد ، ما اینک در این فصل چند طریق را که به شریف رضی منتهی میشود نقل می کنیم .

۱ ـ سیده نقیه دختر سید مرتضی علم الهدی ، قطب الدین راوندی در شرح خود به نهج البلاغه گوید : عبد الرحیم بغدادی معروف به ابن اخوة از سیده بنت علم الهدی روایت می کنند که گفت : من نهج البلاغه را نزد عمویم رضی قراءت کردم .

۲ ـ أبو منصور عکبری ، راوندی گوید : أبو نصر غازی از أبو منصور عکبری روایت کرد که او گفت : من نهج البلاغه را در نزد شریف رضی قراءت کردم و اجازه روایت آن را گرفتم .

۳ ـ عبد الکریم بن محمد دیباجی معروف به سبط بشرحانی قطب الدین راوندی از طریق ابن اخوه بغدادی از أبو الفضل نافلی روایت می کنند که دیباجی گفت : من متن نهج البلاغه را از شریف رضی فرا گرفتم و او شخصا کتاب را بر من قراءت کرد .

٤ ـ محمد بن علی حلوانی ، قطب الدین راوندی در کتاب خود از سید أبو الصمصام ذو الفقار بن محمد حسینی روایت می کنند که او گفت : محمد بن علی حلوانی نهج البلاغه را از شریف رضی روایت کرده است .

٥ ـ محمد بن الحسن أبو جعفر طوسی رضوان الله علیه نیز نهج البلاغه را بدون واسطه از شریف رضی روایت می کنند و قطب الدین راوندی در شرح خود از محمد بن علی بن محسن حلبی از شیخ طوسی و او از سید رضی روایت کرده است .

این پنج طریق که در بالا ذکر شد اکنون در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة تالیف قطب الدین راوندی متوفی در ۵۷۳ ذکر شده است و نگارنده سه نسخه عکسی از این شرح را دردست دارد .

مطلبی که در اینجا باید گفته شود این است که شیخ طوسی در نزد سید رضی تلمذ نکرده است ، بلکه وی شاگرد سید مرتضی علم الهدی برادر بزرگ مؤلف نهج البلاغه بوده است.

تمام علماء رجال نوشته اند که سید رضی در سال ٤٠٦ وفات کرد ، و شیخ طوسی در سال ٤٠٨ وارد بغداد شد ، در این صورت چه گونه می تواند راوی نهج البلاغه از سید رضی باشد ، و شاید در اصل سید مرتضی بوده و بعد تصحیف شده باشد .

در اینجا ممکن است گفته شود که اجازه نهج البلاغه توسط مؤلف آن به شیخ أبو جعفر طوسی از طریق مکاتبه انجام گرفته باشد و این عمل یعنی اجازه کتبی در آن زمان معمول بوده و شواهدی در این مورد در کتب حدیث هست .

دیگر اینکه امکان دارد شیخ طوسی در هنگام حیات سید رضی به عراق مسافرت کرده برای زیارت و یا منظور دیگری

و دژ این سفر اجازه روایت گرفته و باز به طوس مراجعت کرده است .

روایت شیخ طوسی بلا واسطه از سید رضی تنها در نسخه آستان قدس حضرت رضا علیه السلام است و این نسخه ظاهرا در قرن دهم تحریر شده ، و لیکن در نسخه مجلس شوری اسلامی که در سال ٦٥١ نوشته شده و در نسخه کتاب خانه ملك که در سال ٦٨١ تحریر شده نامی از شیخ طوسی نیست و العلم عند الله .

٦ ـ محمد بن همام بغدادی از شاگردان سید رضی می باشد و متن نهج البلاغه را از استادش روایت می کند ، و محمد بن همام در اخبار علی علیه السلام اطلاعات زیادی داشت ، علی بن زید بیهق در شرح خود نهج البلاغه را از او روایت می کند .

٧ ـ جعفر بن محمد درشتی یکی از فقهاء و محدثین عالی قدر است ، او متن نهج البلاغه را از سید رضی روایت می کند ، و أبو الحسن علی بن زید بیهق در شرح خود بر نهج البلاغه از پدرش و او از جعفر بن محمد درشتی روایت کرده است .

علی بن زید گوید : من از پدرم أبو القاسم زید بن محمد بیهق روایت می کنم و او از شیخ جعفر روایت می کند ، و همه نهج البلاغة را نزد پدرم قرائت کردم ، و اجازه شیخ جعفر را بخط خودش نزد پدرم دیدم و خط شیخ جعفر خود بهترین گواه است .

سپس گوید : من متن نهج البلاغه را نزد امام زاهد حسن ابن یعقوب که خود و پدرش دو ماه تابان در آسمان ادب هستند و در تقوی و فضیلت مشهور میباشند در سال ٥١٦ قراءت کردم و حسن بن یعقوب نیز در نزد شیخ جعفر قراءت کرده بود[۱] .

تمام طرق مشایخ حدیث و سلسله روات از تشیع و تسنن به این هفت نفر منتهی می شود ، و اینان راویان نهج البلاغه هستند ، و حالات آنها در کتب رجال آمده است .

۸ - محمد بن الحسن قطب الدین کیذری بیهقی در کتاب حدائق الحقائق نهج البلاغه را از أبو الرضا راوندی روایت می کنند و اجازه قطب الدین در سال ٥٩٦ صادر شده هم اکنون در یك نسخه عکسی در نزد نگارنده هست که در سال ٦٥١ تحریر شده است[۲] .

(۱) معارج نهج البلاغة نسخه استان قدس .

(۲) حدائق الحقائق نسخه عکسی .



۹ - محمد بن علی بن احمد بن بندار که نهج البلاغه را در سال ۴۹۹ به أبو عبدالله حسین اجازه روایت داده است .

۱۰ - علی بن فضل الله حسینی در ماه رجب سال ۵۸۹ روایت نهج البلاغه را به علی بن محمد بن حسین داده است .

۱۱ - شیخ نجیب الدین یحی بن احمد حلی در شعبان سال ۶۵۵ به سید عز الدین حسن بن علی معروف به ابن أبرز اجازه داده است

۱۲ - علامه حلی رضوان الله علیه که خود شرح مختصری بر نهج البلاغه دارد در سال ۷۲۳ به بنی زهره اجازه داده است .

۱۳ - محمد بن حسن بن أبی الرضا علوی در سال ۷۳۰ به جمال الدین بن أبی المعالی اجازه روایت این کتاب را داده است .

۱۴ - فخر الدین محمد بن علامه حلی در سال ۷۴۱ به ابن مظاهر اجازه روایت نهج البلاغه را داده است .

۱۵ - شهید اول رضوان الله علیه در سال ۷۷۰ به شیخ ابن نجده اجازه روایت داده است .

۱۶ - علی ابن محمد بیاضی مؤلف کتاب الصراط المستقیم در سال ۸۵۲ به ناصر بن ابراهیم حساوی اجازه داده است .

۱۷ ـ محقق کرکی شیخ علی در سال ۹۰۷ به مولی حسین استرابادی اجازه روایت داده است و هم چنین در سال ۹۳۷ به شیخ ابراهیم اجازه داده است .

۱۸ ـ شهید ثانی در سال ۹٤۱ به شیخ حسین بن عبد الصمد عاملی اجازه روایت داده است .

۱۹ ـ اجازه شیخ حسن فرزند شهید .

۲۰ ـ احمد بن نعمة الله بن خاتون در سال ۹۸۸ به ملا عبد الله شوشتری .

۲۱ ـ اجازه مجلسی اول در سال ۱۰٦۲ به مجلسی دوم .

۲۲ ـ اجازه شیخ صالح بن عبد الکریم در سال ۱۰۸۰ [1] .

بشارت به اهل علم و ادب

بمناسبت هزارمین سال تألیف نهج البلاغه تعدادی از شروح نهج البلاغه را که چاپ نشده و نسخه های آن نیز در دست همگان نبود ، اکنون چاپ آنها در حیدرآباد آغاز شده است و بزودی در دست اهل تحقیق قرار خواهد گرفت .

۱ ـ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه تألیف محدث جلیل القدر قطب الدین راوندی بر اساس نسخه های مجلس

(۱) الغدیر : ٤/۱۹۳ .

شورای اسلامی مورخ ٦٥٢ و نسخه کتاب خانه ملك مورخ ٦٨١ نسخه کتاب خانه استان قدس که تاریخ تحریر ندارد .

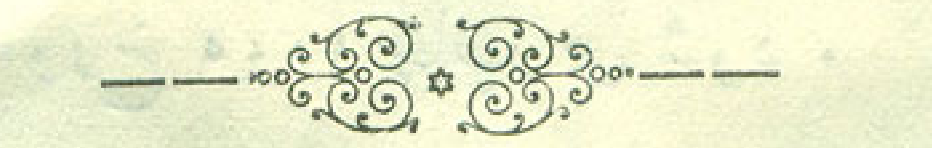
٢ ـ حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه تألیف محقق جلیل قطب الدین کیذری بیهقی بر اساس نسخه کتاب خانه حضرت آیة الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی ، و نسخه عکسی کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران مورخ ٦٤٥ و نسخه کتاب خانه محقق بزگوار حضرت حجة الاسلام سید محمد علی روضاتی اصفهانی مورخ ١٠٤٩ چاپ می شود .

٣ ـ شرح نهج البلاغة که شارح آن معلوم نیست و نسخه از آغاز و انجام ناقص است و شارح در ماه جمادی الأولی سال ٧١٢ زندگی می کرده و از ملازمان خواجه رشید الدین فضل الله وزیر معروف بوده و در چند مورد ازوی در شرح مشکلات نهج البلاغه سؤال می کند و تقریرات او را ذکر می نماید ، ظاهرا این شرح از آثار علامه حلی رحمة الله علیه می باشد ، از این شرح بیش از یك نسخه وجود ندارد عکسی از آن در دست نگانده هست .

٤ ـ اعلام نهج البلاغه شرحی است مختصر بر نهج البلاغه که شارح آن معلوم نیست ولیکن از امام احمد و بری خوارزمی

و چند شارح دیگر نقل می کنند و اشتباها آن را به علی بن ناصر زیدی نسبت داده اند که در کتاب نامی از این شخص نیست، این کتاب بر اساس نسخه های رامپور و کلکته چاپ می شود.

۵ - متنی از کتاب نهج البلاغه بر اساس قدیم ترین نسخ موجود مقابله و تصحیح شده و پاره از لغات مشکله آن نیز در ذیل صفحات تفسیر گردیده، و با مقدمه ای مشروحی چاپ می شود.






بنیاد محقق طباطبایی